per sula اسلوسلون ت دول، منسم ان رئيل آليا تي ال وسایل سورد نیاره ب انجا از اس : Impenden - will filled (wentle - ing icher and mi) em of : في الحال الماس : الهاي عسند دوليار ساوب اينامس وداميم مال معسر درانج سلال زراس ر بارستاه مرو لدسلال وسی بولیده کند سیلال ژنواسو ها معولاسی می مربعی ر نوسی مقلیدی لید. در بالع مقلیدمروش) ور دو نوع عقربه ای در ایمنایی اسلوسلوب: (دسته سال عددهٔ موح) دست کا کی است که مارراست سیلنالهای ولی از سیفیر دازمان ویا تامت ازمان راستان می دهد. / اسلو سلوب مي رستاه الذاره كيرى است كدمى شوان ازاك مراى مساعده و الذارة ليرى ولناز، زسان ما والمنالما ما وعمد مين مشهم - عای دلت با سریسامبرسیم هادی استفاده دمود اسلوسلوب ازد مسمت المعلى زير مت كيل ستره است